

خوشه‌هایی برای توسعه

خوشه‌های صنعتی هر چند در عرصه نظریه‌ها، ایده‌ای با سابقه کم‌تر از ۱۰-۱۵ سال محسوب می‌شود اما طی سال‌های اخیر تجربه موفق در حوزه تئوری‌های توسعه بخشی و ملی محسوب می‌شود. شواهد موجود بیانگر پیاده‌سازی این مدل در بخش‌های مختلف صنعتی کشورهای پیشرفته و نتایج موفق حاصل از آن بوده است. ضمن اینکه موارد اجرای این مدل در بخش نفت نیز از این قاعده مستثنی نیست.

اما خوشه‌های صنعتی چیست؟ جهان انرژی سعی بر آن دارد که در این شماره و شماره‌های آتی به معرفی این نظریه و کاربردهای آن در صنعت نفت ایران پرداخته و از این طریق آغازگر گفتگویی نوین در این زمینه باشد. معرفی و طرح این موضوع و تلاش برای شناسایی سازوکارهای اجرای آن در صنعت نفت و انرژی کشور خود می‌تواند ضمن بازشناسی دقیق‌تر ابعاد این تئوری، قابلیت انطباق آن با واقعیت‌های صنعت نفت ایران را روشن ساخته و از این طریق برخی لایه‌های ضد توسعه در این بخش را مورد بررسی قرار دهد.

ویژگی دیگر نظریه خوشه‌های صنعتی آن است که روشی جذاب برای استفاده از حداکثر توان داخلی کشور محسوب می‌شود. شعاری که توسط هیات دولت جدید و قبل از آن نمایندگان مجلس هفتم در کمیسیون‌های اقتصادی بویژه کمیسیون انرژی به دنبال روشی عملی برای تحقق آن هستند گزارش ارائه شده توسط آقای علی قاسمی کارشناس اقتصادی جهان انرژی را در این زمینه می‌خوانید:

خوشه‌های نفت و گاز: رهیافتی نوین در توسعه صنعت نفت و گاز

«سازمانی که بتواند مدیران خود را پرورش دهد، خواهد مرد»^۱

بررسی قدمت ۱۰۰ ساله صنعت نفت ایران حاکی از فقدان سازمانی پویا در خصوص پرورش مدیرانی توانا برای مواجهه با چالش‌های پیش روی این صنعت است. سازمان فعلی نفت برای توسعه رقابت‌پذیری صنعتی خود از ۳ رویکرد مطرح دنیا، تنها نگاه خود را معطوف به حضور در زنجیره‌های تولیدی شرکت‌های چندملیتی داشته است. به عبارت دقیق‌تر، این ساختار و سازمان بدلیل ماهیت سیستماتیک پایه‌ریزی شده اولیه آن، نگاه به بیرون و تامین و تجهیز از خارج را در سرلوحه سیاست گذاری خود قرار داده است. خوشامدگویی به سرمایه‌گذاران خارجی بدون در نظر گرفتن ملاحظات انتقال فناوری، شکل دهی قراردادهایی حقوقی با ماهیت نامشخص که نه در بردارنده منافع کشور است و نه استفاده بهینه از فرصت‌های بین‌المللی موجود شواهدی است دال بر این مدعا.

بررسی ساختارها و سازمان‌های صنعتی موفق در عرصه بین‌الملل اعم از حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی نمایانگر آن است که ۳ رویکرد عمده در شکل دهی آنها موثر بوده است. نخستین رویکرد حضور در زنجیره تامین شرکت‌های چندملیتی، تجهیز و تدارک حلقه‌های مفقوده و قسمت‌هایی از زنجیره ارزش این شرکت‌ها است که سازمان‌های فوق‌الذکر از مزیت نسبی و مزیت هزینه‌ای در تولید آن برخوردارند. دومین رویکرد، شکل دهی بنگاه‌های معظم ملی که علاوه بر رقابت‌پذیری بودن در عرصه بین‌الملل، چندین حوزه از فعالیت و

تولید را در اختیار دارند و سومین مورد نیز ساماندهی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی در رقابت خوشه‌های صنعتی و شبکه‌های تولیدی است.

دو رویکرد اول، سالیان سال مورد تجربه و باز تولید بسیاری از شرکت‌ها و کشورهای قرار گرفته است. بر این اساس بسیاری از شرکت‌ها در یکدیگر ادغام شده و برخی نیز پیوندهای استراتژیک برقرار می‌سازند. به عنوان مثال در آینده‌ای نزدیک تعداد خودرو سازان عمده به ۵ شرکت تقلیل یافته و شرکت‌های چون پرتون نیز در زنجیره تولید این ۵ شرکت قرار خواهند گرفت. ادغام‌های رو به تزاید در صنعت نفت و گاز همانند شرکت‌های توتال-فینا-الف، شورون-تگراکو-بی پی-اموکو و ... که عمدتاً در حوزه‌های مالی و مدیریتی صورت می‌گیرد نیز بخشی از این فرآیند است. رویکرد دوم که حامیان عمده آنرا کشورهای آسیای جنوب شرقی همچون ژاپن، کره و تاحدی تایوان تشکیل می‌دهند، منبعت از ساخت‌های فرهنگی نهفته در تاریخ این کشورهاست. در این نوع رویکرد که تحت عنوان متنوع‌سازی غیر مرتبط^۲ رواج عام یافته است، شرکت‌های بزرگی چون ال‌جی، هیوندای، میتسوبیشی، میتسوئی و ... به عنوان پیرو^۳ در واردات فناوری از کشورهای خلق‌کننده آن، گستره فعالیت خود را به عرصه‌های مختلفی از تولید و توزیع کشانیده‌اند، حضور در صنایع الکترونیک، کشتی‌سازی، نفت و گاز و خودرو تنها برای یکی از این شرکت‌های معظم همچون ال‌جی، امری عادی تلقی می‌گردد. این ساختارها نظام سلسله‌مراتبی سختی را در اقتصاد خود بنیان نهاده‌اند که به نظر می‌رسد مردم ایران بدلیل ساخت‌های فرهنگی خود، چنین نظام سختی را برنتابند. شاید بتوان یکی از عمده‌ترین دلایل موفقیت کشوری چون کره، در صنایع مختلف را وجود این ساختارها دانست که در مجموع ۴۰ درصد تولید را در این کشور برعهده دارند.

اما رویکرد سوم که عنوان انقلاب خوشه‌ها، توسط برخی از صاحب‌نظران در مورد آن تعبیر گردیده، از دیرینه ای ۱۰-۱۵ ساله بر خوردار است. نخستین بار این مدل در ایتالیا در معرض تجربه قرار گرفت و پس از تأیید نتایج موفقیت آمیز، گستره آن به سازمان‌های بین‌المللی نظری یونیدو، آنتکادا، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار و سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه و همچنین کشورهای نظیر آمریکا، انگلستان، نروژ، برزیل، شیلی، ترکیه، پاکستان، امارات، لبنان، آفریقای جنوبی، کانادا و ... کشیده شد. توسعه مفهومی و اجرایی مدل خوشه‌ای منجر به استقبال کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شده است که اهدافی مانند ایجاد اشتغال، ارتقاء بنگاه‌های کوچک و متوسط، هم‌پوندی بیشتر اقتصاد، انتقال و توسعه فناوری را با ساماندهی این مدل در عرصه‌های مختلف تولیدی و خدماتی پیگیری کرده‌اند. از نظر تئوریک خوشه به تجمع مجموعه‌ای از بنگاه‌های تولیدی، نهادهای خدماتی، موسسات آموزشی و اطلاع‌رسانی در یک منطقه جغرافیایی خاص گفته می‌شود که این تجمع جغرافیایی صنایع به هم مرتبط، اثرات انگیزشی، انتقال فناوری، دانش و شکل‌گیری ذخیره‌ای از نیروی کار را به همراه دارد.

استفاده از این رویکرد در گستره وسیع صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، رهیافتی است که ذهن سیاستگذاران انرژی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به خود مشغول داشته است. خوشه نفت و گاز هوستون در آمریکا، خوشه نفت و گاز در نروژ واقع در دریای شمال، خوشه نفت و گاز کالگری در کانادا، و خوشه نفت و گاز واقع در شمال انگلیس، همگی نمونه‌هایی موفق از این رویکرد محسوب می‌شوند. خوشه نفت و گاز هوستون در آمریکا با در برداشتن بیش از ۵۰ هزار بنگاه فعال تولیدی و خدماتی، ۲۰ درصد اشتغال مرتبط با صنعت نفت و گاز، ۱۲٫۲ درصد از کل ظرفیت پالایشگاه‌های آمریکا و بیش از ۶۰ انجمن صنفی، تخصصی، را شامل می‌شود. بزرگترین